

عهد جاودان



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: پیدایش باب ۱۲ آیات ۱ تا ۳، رومیان باب ۴ آیات ۱ تا ۵، خروج باب ۲ آیه ۲۴، تثنیه باب ۵ آیات ۱ تا ۲۱، تثنیه باب ۲۶ آیات ۱۶ تا ۱۹، تثنیه باب ۸ آیه ۵، متی باب ۲۸ آیه ۱۰.

آیه حفظی: «عهد خویش را میان خود و تو، و نسل تو، پس از تو، استوار خواهم ساخت تا نسل اندر نسل عهد جاودانی باشد؛ تا تو را و پس از تو، نسل تو را، خدا باشم» (پیدایش باب ۱۷ آیه ۷).

«آنگاه فرشته ای دیگر دیدم که در دل آسمان پرواز می کرد و انجیل جاودان با خود داشت تا ساکنان زمین را بشارت دهد، ازهرقوم و طایفه و زبان و ملت که باشند.» (مکاشفه باب ۱۴ آیه ۶). به «انجیل جاودانی» توجه کنید؛ جاودانی یعنی وجود همیشگی، گوئی که همیشه بوده است، گوئی که «قبل از زمان موعود» از طریق عیسی مسیح به ما وعده داده شده است (تیطس باب ۱ آیه ۲). ازاین رو، هیچ شکی باقی نمی ماند که کتاب مقدس در باره زمانهای دیگر در خصوص «عهد جاودان» سخن به میان می آورد (پیدایش باب ۱۷ آیه ۷، اشعیا باب ۲۴ آیه ۵، حزقیال باب ۱۶ آیه ۶۰، عبرانیان باب ۱۳ آیه ۲۰)؛ چراکه عصاره انجیل، عهد و عصاره عهد، انجیل می باشد: خدا جدا از فیض نجاتبخش و محبت خویش، رستگاری را به شما عرضه می کند که سزاوار آن نبوده اید و احتمالاً نمی توانید آن را کسب کنید؛ و شما در پاسخ «با تمامی دل، با تمامی جان و با تمامی ذهن و قوت خود» به محبت او واکنش نشان می دهید (مرقس ۱۲: ۳۰) و این محبتی است که با اطاعت از احکام او تجلی می یابد: «چرا که این حب به خداست که باعث می شود تا احکام او را نگاه داریم» (اول یوحنا ۵: ۳). این هفته به مفهوم عهد نگاهی خواهیم انداخت همانطور که در کتاب تثنیه، که در آن عهد و تمامی آنچه که در بر دارد آشکار شده است.

*درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت ۲۴ مهر ماه آماده شوید.

عهد و انجیل

در سراسر کتاب مقدس عهد و انجیل همگی با هم دیده می شوند. با وجود آنکه مفهوم عهد قبل از پیدایش قوم اسرائیل وجود داشت (به عنوان مثال عهد با نوح)، و با وجود آنکه وعده عهد قبل از اینکه قوم اسرائیل وجود داشته باشد منعقد شده بود، بطور برجسته ای از طریق تعامل بین خدا و قومش ابراز گردیده است که از پدرانشان، مشایخ آغاز شد.

و حتی از همان آغاز، انجیل کانون حقیقت عهد بوده است: رستگاری تنها از طریق ایمان.

پیدایش باب ۱۲ آیات ۱ تا ۳، پیدایش باب ۱۵ آیات ۵ تا ۱۸ و رومیان باب ۴ آیات ۱ تا ۵ را بخوانید. وعده عهدی که با ابرام (که بعدها ابراهیم خوانده شد) بسته شد چه بود، و انجیل چگونه در آن وعده عهد آشکار گشت؟

ابراهیم به خدا ایمان داشت، به وعده های خدا به او نیز ایمان داشت و بنابراین در برابر خدا عادل شمرده شد. در هر حال این اعلان، فیضی ارزان نبود: ابراهیم در پی این بود تا با اطاعت، همانگونه که در پیدایش باب ۲۲ در کوه موریاه دیده می شود، عهد خود را تا به آخر حفظ کند. همه اینها، حتی «ایمان او عدالت محسوب می شود» (رومیان ۴: ۵). بدین خاطر قرنها بعد، پولس از ابراهیم به عنوان الگویی از آنچه که به معنی زندگی کردن با وعده های عهد خدا با امت وی می باشد یاد می کند.

این مبحث در تمامی کتاب مقدس طنین انداخته است. پولس این مطلب را در زمان دیگری در غلاطیان باب ۳ آیه ۶ بیان می کند، که در آنجا دوباره از پیدایش باب ۱۵ آیه ۶ نقل قول می کند مبنی بر این که ایمان ابراهیم «... برای او عدالت محسوب شده است»، و به وعده ای اشاره می کند که نخست با ابرام بسته شد که بواسطه ذریت او تمامی قوم ها متبارک خواهند گردید (غلاطیان باب ۳ آیه ۹). وعده های عهد به همگان داده شده است؛ یهودیان و غیریهودیان که «از اهل ایمان هستند» (غلاطیان باب ۳ آیه ۷) و بنابراین کسانی که بدون اعمال شریعت، عادل شمرده می شوند- بخاطر عهد بیشتر ملزم هستند تا از احکام تبعیت کنند.

حتی زمانی که ارمیا از عهدی جدید سخن می گوید، آن را در چارچوب احکام بیان می کند: «این است عهدی که پس از آن ایام با خاندان اسرائیل خواهیم بست: شریعت خود را در باطن ایشان خواهیم نهاد و بر دلشان خواهیم نگاشت، و من خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود» (ارمیا باب ۳۱ آیه ۳۳)، که بازتاب دهنده زبانی است که به کتاب لاویان باز می گردد: «و در میان شما خواهیم خرامید و خدای شما خواهیم بود و شما قوم من خواهید بود» (لاویان باب ۲۶ آیه ۱۲).

چگونه موضوع عهد و شریعت (احکام) و انجیل بطور کامل و با هم، با پیام های سه فرشته در مکاشفه باب ۱۴ در خصوص پیام هشدار نهایی خدا به جهان مطابقت دارد؟

عهد و قوم اسرائیل

«نه به سبب پارسایی و نه به سبب راستدلی شما است که به سرزمین ایشان داخل می شوید تا آنرا به تصرف درآورید، بلکه به سبب شرارت این قومهاست که یهوه خدایتان ایشان را از حضور شما بیرون می راند، و تا به وعده ای که خداوند برای پدرانانتان ابراهیم، اسحاق و یعقوب سوگند خورده بود، وفا کند» (تثنیه باب ۹ آیه ۵؛ همچنین تثنیه باب ۹ آیه ۲۷ را ببینید).

چگونه واقعیت وعده های مرتبط با عهد در این آیه نمایان می شود؟

در اینجا نیز فیض عهد ظاهر می شود: علیرغم خطاهای دائمی، خدا برای آنان کار کرد. (مطمئناً عملکرد انجیل نیز برای امروز چنین است).

و این به خاطر وعده ای بود که به پدرانشان داده شده بود که فیض خدا به نسل های آینده آنان داده می شد.

موسی در عملکرد خویش با قوم که وعده های عهد به آنان داده شده بود، اغلب به وعده های عهدی اشاره می کرد که به مشایخ اسرائیل داده شده بود.

خروج باب ۲ آیه ۲۴، خروج باب ۶ آیه ۸ و لایوان باب ۲۶ آیه ۴۲ را بخوانید. در اینجا چه چیزی گفته می شود که به نشان دادن عملکرد وعده عهد کمک می کند؟

خروج از مصر که نمادی عالی از فیض نجاتبخش خداست نیز بر اساس عهدی بود که خداوند با پدرانشان بسته بود. یعنی قبل از آنکه نفع برندگان عهد به دنیا آمده باشند، وعده ها به آنان داده شده بود. بدین جهت (دست کم اگر بتوان گفت) نه به خاطر شایستگی خودشان، آنان وعده رهایی را یافتند که خداوند از طریق معجزات و وقایع خروج [از مصر] برای آنان انجام داد.

البته اینها پایان ماجرا نبود. آنها از مصر به کجا رفتند؟ بله، به دامنه کوه سینا، جائیکه «رسم» عهد با آنان بسته شد (خروج باب ۲۰ را ببینید) و محور آن عهد، انجیل و شریعت، ده فرمان بود که از آنان دعوت شده بود تا از آن اطاعت نمایند، که تجلی رابطه نجات آنان با خدا بود؛ کسی که آنان را پیش از این نجات داده بود (انجیل). بنابراین در تثنیه مکررا دیده می شود که آنها فراخوانده شدند تا از احکام به عنوان بخشی از مفاد عهدی اطاعت کنند که در کوه سینا تصویب شده بود.

امروزه شریعت خدا چه نقشی را در زندگی هایمان بازی می کند، ما که از طریق فیض نجات یافته ایم؛ و چرا این شریعت در ارتباطمان با خدا موضوعی بسیار حساس است؟

کتاب عهد

اگرچه مفهوم عهد (به عبرانی، بریت) رابطه خدا با قومش را تشریح می کند و در کل کتاب مقدس یافت می شود، این کلمه آنقدر در تثنیه دیده می شود که تثنیه «کتاب عهد» نامگذاری شده است.

به تثنیه باب ۵ آیات ۱ تا ۲۱ نگاه کنید. در اینجا چه رخ داده است که نشان می دهد که چگونه مفهوم عهد (بریت) در کانون کتاب تثنیه قرار دارد؟

کوتاه مدتی پس از اینکه بنی اسرائیل از مصر رهایی یافتند، درست قبل از آنکه قرار بود به سرزمین موعود وارد شوند، خدا با آنان در کوه سینا عهدی بست.

آنگاه پس از ۴۰ سال سرگردانی، دقیقاً قبل از آنکه قرار بود وارد سرزمین موعود شوند، عهد، دوباره در کانون وعده قرار گرفت (به پیدایش باب ۱۲ آیه ۷، خروج باب ۱۲ آیه ۲۵)، خداوند از طریق موسی به عنوان سخنگو، دوباره به آنان ده فرمان را می دهد، طریقی که در آن تاکید می کرد که تجدید الزامات عهد از اهمیت بسزایی برخوردار است.

آری، خداوند در صدد تحقق وعده های عهد خویش برای آنان بود. حال آنان ملزم بودند تا به آخر در عهد باقی بمانند: «او عهد خود را که شما را به نگاه داشتنش امر فرموده بود برای شما بیان کرد، یعنی ده فرمان را، و آنها را بر دو لوح سنگی نوشت» (تثنیه باب ۴ آیه ۱۳). او این کار را در کوه سینا انجام داد و آنها دوباره در کوه مواب انجام داد و این واقعه درست قبل از زمانی بود که قرار بود به سرزمین موعود وارد شوند، که خداوند قرنهای قبل به پدرانشان وعده داده بود، تجلی «عهد جاودانی» که حتی پیش از وجود جهان وجود داشت.

«پیش از اینکه بنیاد زمین نهاده شود، پدر و پسر در عهدی برای نجات بشر با هم متحد شده بودند، چنانچه بشر مغلوب شیطان شود. آنان طی پیمانی جدی دستان یکدیگر را فشرده بودند تا مسیح ضمانتی برای نژاد بشر بشود» - (الن جی وایت، آرزوی اعصار صفحه ۸۳۴).

تثنیه باب ۵ آیه ۳ را بخوانید. این آیه چه معنایی دارد؟

موسی به آنان چه می گفت؟ به نظر می رسد که موسی بر این واقعیت تاکید داشت که پدرانشان از دنیا رفته اند و وعده عهد عالی که با آنان بسته شده بود، حال با خودشان بسته می شد. این راهی بود تا موسی به آنان خاطر نشان سازد که مراقب باشند مانند نسل گذشته خرابکاری نکنند. وعده ها (و الزامات آن) حال به عهده آنان است.

قوم خاص او

برای ما امروزه سخت است تا دنیای کهن را درک کنیم که در آن قوم اسرائیل در بیابان سرگردان بودند. اگرکل امپراطوری ها آمده و رفته باشند و (اگر) تنها ویرانه ها برجای مانده باشد، آنگاه از قوم های کوچکتر بت پرست که در همان منطقه مانند اسرائیل چه خواهیم دانست؟

شاید تمامی آنها را ندانیم اما یک چیز را می دانیم: این مردم در شرک و بت پرستی غرق شدند و برخی از اعمال شنیع را مرتکب شدند که شامل قربانی کردن کودکان بود. سعی کنید تا تصور کنید که چه فرهنگ و مذهبی منحط و شریری بوده که آن عمل قبیح را نسبت به فرزندان خودشان وبه نام بعضی بت ها مرتکب می شدند!

هیچ شکی نیست که در طول تاریخ اسرائیل کهن، خداوند بارها و بارها به آنان هشدار داده بود تا از پیروی از اعمال قوم های اطرافشان دوری کنند. «چون به سرزمینی که یهوه خدایتان به شما می دهد، درآیید، نباید آداب و رسوم کریه اقوام آنجا را بیاموزید» (تثنیه باب ۱۸ آیه ۹). و به خاطر این، خدا این قوم را برای هدف خاص فراخوانده بود. با وارد به عهد با خدا، آنها می بایست قومی خاص می شدند؛ شاهدهی بر جهان خدا که در آن آسمان و زمین را خلق کرد- یعنی خدای واحد.

تثنیه باب ۲۶ آیات ۱۶-۱۹ را بخوانید. چگونه رابطه عهد بین خدا و قوم اسرائیل در این آیات جمع شده است؟ آنان با تبدیل شدن به قوم خدا، چگونه وفاداری خود را به عهد نشان دادند؟ از آنان چه درسی می توانیم برای خودمان بگیریم؟

چقدر این چهار آیه که با عبارت «امروز» شروع می شود و به معنای همین الان می باشد جذاب هستند و باز هم خدا به شما فرمان می دهد تا اینها را انجام دهید (موسی این ایده را در آیه ۱۷ تکرار می کند). او همواره از آنان می خواست تا این اوامر را به جای آورند. گوئی او به آنان می گوید که در همین لحظه دوباره باید متعهد ، وفادار و مقدس گردند و مردمی خاص باشند که دلیلی واقعی برای وجود خود به عنوان قوم عهد ارائه دهند. آنها تنها قومی بودند که خدای حقیقی را می شناختند و می دانستند که او می خواهد تا چگونه زندگی کنند. آنان به معنایی واقعی نه تنها از «حقیقت حاضر» برخوردار بودند بلکه آن حقیقت را با جان و دل بپذیرند تا این که عیسی، که خود «حقیقت» بود (یوحنا ۱۴: ۶) بیاید.

چرا ایده «امروز» (در تثنیه ۲۶: ۱۶ - ۱۹)، به جای آوردن اوامر خدا و الزامات عهد او حتی به «امروز» ما مرتبط می باشد؟

تصاویر دیگر

پژوهش های کتاب مقدسی مدتهاست که تشابهاتی بین عهد اسرائیل با خدا و توافقات عهد با پادشاهی های دیگر را شناسایی کرده استاین تشابهات نباید مایه شگفتی باشد. خداوند در محیطی با قومش در حال کار کردن بود که آنها بتوانند درک کنند.

بطور همزمان، ایده عهد که توافقی قانونی بین دو طرف محسوب می شود، با قوانین و مقررات و شرایط، خیلی سرد و رسمی بنظر می آید. گرچه آن عنصر باید واقعاً وجود داشته باشد (خدا قانون گزار است)، اما به اندازه کافی گسترده نیست که بتواند عمق و وسعت نوع رابطه ای که خدا می خواست با قومش داشته باشد را در بر بگیرد. بنابراین تصاویر دیگری که در تثنیه برای ندایش دادن همان ایده عهد بین خدا و قوم اسرائیل بکار برده شد؛ تنها برای نشان دادن ابعاد بزرگتر آن است.

تثنیه باب ۸ آیه ۵؛ باب ۱۴ آیه ۱ و باب ۳۲ آیه ۶، ۱۸ تا ۲۰ را بخوانید. چه نوع تصویرسازی در اینجا به کار رفته و چگونه می تواند رابطه ای که خدا می خواست با قومش داشته باشد را آشکار کند؟

تثنیه باب ۴ آیه ۲۰ و تثنیه باب ۳۲ آیه ۹ را بخوانید. در اینجا چه نوع تصویرسازی یا تشبیه ادبی به کار رفته است و چگونه می تواند نوع رابطه ای که خدا می خواست با قومش داشته باشد را به نمایش بگذارد؟

در هر مورد، ایده ای از خانواده وجود دارد که به طور ایده آل بایستی نزدیکترین، محکم ترین و دوست داشتنی ترین رابطه باشد. خدا همواره خواستار اینچنین رابطه ای با قومش بود. حتی پس از اینکه بطور شرم آوری مسیح را در زمان مصلوب شدنش انکار کردند، عیسی پس از قیام از مرگ به دو مریم گفت: «بروید و به برادرانم بگویید که به جلیل بروند. در آنجا مرا خواهند دید» (متی باب ۲۸ آیه ۱۰). حتی به عنوان مسیح قیام کرده، او حواریون خویش را «برادرانم» خطاب کرد که نمونه ای از محبت و فیضی است که از محبتی سرچشمه می گیرد که یقیناً سزاوار آن نبودند. این اساساً آن رابطه ای است که خدا همیشه با بشریت داشته است: فیض و محبتی که نا لایقان اعطا شد.

چه نوع رابطه ای با خدا دارید؟ چگونه می توانید این رابطه را عمیق تر کرده و یادبگیرید که او را دوست داشته باشید و همزمان نیز الزامات عهدتان را درک کرده و از احکام او اطاعت نمایید؟ چرا این دو مفهوم مکمل هم هستند نه در تضاد هم؟

تفکری فراتر: «مداومت در زندگی متشرع مذهبی و تلاش برای برآورده ساختن آنچه شرع [احکام] تکلیف نموده، آنهم با توان و قوت خودمان، روحمان را به اسارت می گیرد. تنها امیدی که برای ما وجود دارد این است که تحت بیرق عهد ابراهیمی قرار بگیریم که عهد فیض بواسطه ایمان به عیسی مسیح می باشد. انجیل به واسطه امیدی که ابراهیم داشت برایش موعظه شد، همان امیدی که ما نیز داریم. ابراهیم بر عیسی چشم دوخته بود که مولف و کامل کننده ایمان ماست» - (نظرات الن جی وایت، کتاب مقدس تفسیری ادونتیسست های روز هفتم، جلد ۶، صفحه ۱۰۷۷).

«پیش از اینکه بنیاد زمین نهاده شود، پدر و پسر در عهدی برای نجات بشر با هم متحد شده بودند، تا اگر بشر مغلوب شیطان شد نجاتی برای او مهیا باشد. آنان با پیمانی جدی دستان یکدیگر را فشرده بودند تا مسیح ضمانتی برای نژاد بشر بشود.. این تعهد توسط مسیح تمام شد. وقتی بر صلیب فریاد زد «تمام شد»، سخن او به پدراسمانی خطاب شد. پیمان بطور کامل اجرا شده بود و حال او اعلام می کند: پدر، تمام شد. ای خدایم، اراده ات را به انجام رسانیدم. من کارنجات را کامل کردم. اگر عدالت تو برآورده شده و راضی هستی، «می خواهم آنها که به من بخشیده ای با من باشند، همانجا که من هستم» (یوحنا باب ۱۷ آیه ۲۴؛ باب ۱۹ آیه ۳۰)» (الن جی وایت، آرزوی اعصار صفحه ۸۳۴).

سوالاتی برای بحث:

۱. راجع به این مفهوم تفکر کنید: قبل از اینکه بنیان جهان نهاده شود، پدر و پسر «در عهدی متحد شده بودند» تا اگر بشریت سقوط کند ما نجات یابیم. چرا این امر باید اینقدر برایمان دلگرم کننده باشد؟ این مطلب درباره اینکه خدا اشتیاق دارد تا برای ملکوت او نجات یابیم چه چیزی به ما می آموزد؟

۲. به عنوان کلیسای ادونتیسست روز هفتم، به چه شیوه هایی نقشی را که اسرائیل کهن باید در زمانشان ایفا می کرد، تحقق بخشیم؟ چگونه می توانیم یاد بگیریم تا از خطاهایی که آنها مرتکب شدند جلوگیری کنیم؟

۳. چرا انجیل و وعده های انجیل آنقدر در ایده کلی عهد جدید محوریت دارد؟ چه آیاتی را می توانید در عهد جدید بیابید که نشان دهد چطور شریعت و اطاعت از شریعت تحت عهد جدید از بین نرفته است؛ آنگونه که توسط تعالیم مسیحیان دیگر متداول شده است؟ نظر شما در مورد اینکه بسیاری از مسیحیان می گویند که انجیل نیاز به رعایت ده فرمان را لغو کرده چیست؟